

پیکار و «پیکار» واقعیت گنبد راسیون

در حال حاضر جنبش دانشجویی ایران بحق در گنبد راسیون دانشجویان ایرانی تجسم یافته است. این امر اگر چه برای ناشرین «پیکار» و حامیان نیرومند آنان خوشایند نیست ولی واقعیت است. هیچ نیرویی نمیتواند مدعی دفاع از جنبش دانشجویان ایرانی باشد و بدفاع از گنبد راسیون برخیزد. تا چه رسد آنرا نادیده انگارند و از آنهم بدتر با آن از در خصومت در آید. شما به جملات تشریه پیکار که در فوق آمده نگاه کنید هیچ جا سخن از دفاع از گنبد راسیون نیست و از جنبش دانشجویان ایرانی است. گویا در روزی گنبد راسیون اکنون جنبش بزرگی در درون دانشجویان ایرانی وجود دارد. جدا کردن گنبد راسیون از جنبش دانشجویان ایرانی بهیچ وجه مولود بی توجسی با سهل انگار نیست. بلندگوی رادیویی آنها نیز نام گنبد راسیون را از گفتارهای خود حذف کرده است و بجای آن جنبش دانشجویی یا دانشجویان بکار میرسد. آنها با گنبد راسیون بعلنی که بعدا خواهد آمد سر سازگاری ندارند و تمام تلاش آنها هم اینست که آنرا از سر راه جنبش دانشجویان ایرانی بردارند. این جنبش را از «گرایشهای انحرافی» پاک گردانند و آنچنان جنبشی تحویل شاه و اربابان شوروی خود دهند که در خور ماهیت و سرشت آنها باشد. اما از هم اکنون میتوان گفت که چنین جنبشی از آن دانشجویان ایرانی نخواهد بود، دانشجویان ایرانی از چنین جنبشی بیزارند و شک نیست که ناشران «پیکار» در این تلاش خود نیز شکست مقصضانه ای خواهند خورد. گنبد راسیون ممکن است در میدان مبارزه از پای در آید ولی مرکز ترس به تلقینات روسوسه های ضد انقلاب خواهد داد و از راهی که در پیش گرفته انحراف خواهد جست. سرغرازی و سربلندی گنبد راسیون نیز در همین است و خواهد بود.

یک نظر اجمالی به محتوای شماره های «پیکار» بر هر کس معلوم می آید که یکی از هدفهای انتشار پیکار مبارزه با گنبد راسیون دانشجویان ایرانی است، مبارزه های تئوریک و سیاسی در تمام مظاهر آن. شماره های بقیه در صفحه ۲

نشریه «پیکار» در بیان در جهان مطبوعات فارسی خارج از کشور با بعضی وجود نهاد: پیکار بصورت گوهری تابناک که بنسب تارک طبقه کارگر ایران میدرخشید و بنا بر تو خود سیاهی واقصو مین ماریک در دست امپریالیسم انگلستان ورزید و بلودش، رژیم رضاشاهی اسیر بود به جوانان نشان میداد و آنها را در مبارزه بخاطر استقلال و آزادی و رهنمون میکردید؛ بار دیگر بصورت خرمهرای زشت و نفرت انگیز که از اسارت مین ماریک با بدست امپریالیسم گاه در لاف فافه فاع یکید، روز محمد رضاشاه مولو ننگین امپریالیسم آمریکا را می آید، امپریالیسم را بجای سوسیالیسم میزند و برای آنکه جوانان بیچاره و آگاه را از راه بردن و از مبارزه بخاطر آزادی و استقلال بازدارد نا امید اندست میبازیند.

پیکار پیکار در کنار خلق جای داشت و با دشمنان خلق میزبید بار دیگر یار و یاور دشمنان خلق است و میکوشد خلق را همچنان در چنگ آنان نگاه دارد؛ «پیکار» پیکار برعبری فرزند طبقه کارگر ایران، فرزند قهرمان خلق آذربایجان در گرازی در راه انقلاب گام بر میداشت و بار دیگر با دست منشی مزدور در سرگشود انقلاب موضع گرفته است.

اکنون بیش از یکسال است که «پیکار» انتشار خود را آغازین گرفته است. هدف آن از این انتشار آنگونه که در نیتش آمده، دفاع از جنبش و منافع صنفی و سیاسی دانشجویان ایرانی مبارزه با انحرافات مختلف در درون این جنبش است (شماره ۶). «مبارزه گونی» «پیکار» با گرایشهای انحرافی در جنبش دانشجویان ایرانی و با منشی انحرافی سلط (۲) در گنبد راسیون است.

آیا واقعا هدف «پیکار» دفاع از جنبش و منافع سیاسی دانشجویان ایرانی است؟ آیا مبارزه با گرایشهای انحرافی در جنبش دانشجویان ایرانی است؟ این ادعای است که در تناقض آشکار با سراسر نشریه «پیکار» است و در تضاد با اعمال ناشرین و بیرون آنها در جنبش دانشجویی است. این تضاد و تناقض به اندازه ای باز است که نمیتواند آنرا ندید. و هم آنرا میبیند.

سخنان نماینده امپریالیسم آمریکا:

درباره یغمای ایران

روزنامه های وابسته به دولت و بار بار، از قول رئیس بانک صادرات و واردات آمریکا شادی گان یا حروف درشت نوشتند که «نخاست رفت ایران عفت برابر آموزش نخاستر طرای دنیا است» و مورد مزحتنکن ایران بار دیگر تا سف خوران دیدند که چه شروت عظیمی از مین آنها بوده میشود.

رئیس بانک صادرات و واردات آمریکا در روز اول آذر ماه در اجتماع سرمایه داران ایرانی اظهار داشت: «نخاست رفتی در ایران ۷۰ میلیارد بشکفت و ۲۰۰ تریلیون فوت مکعب گاز میباشد و بیشتر بینی کرد که از رزرو و ذخایر نفتی ایران بقیعت های جاری ۳۰۰۰۰۰ میلیون دلار است که بیشتر از هفتیا هشت برابر ذخیره طلای جهان است».

بیبوده نیست که امپریالیستهای آمریکائی در تمدید قرار داد با کسریوم و افزایش سالیانه استخراج نفت (تسا ۵۰۰ میلیون تن) عجله خرج داده میدهند. باید تا وقتیکه هنوز حکومت خیانت پیشه پهلوی برجاست آخرین ذرات این طلای سیاه را از ایران بیرون بکشند.

رئیس بانک صادرات و واردات آمریکا از توسعه روابط بازرگانی آمریکا و ایران صحبت کرد و گفت: «موانع تجارت بین ایران و آمریکا احتساب نباید بر است» ولی باید توجه داشت که وزیران راه تران بین المللی گفتگو میکنند و منظورشان موانع تجارتی آنچنان موانع است که سرچشمه عدل موانع است. او مانند همه نمایندگان امپریالیستهای غربی است که از ایران بخاطر غرض و حساب صادرات ایران میگردد و آنکه توقع دارد که هر روزی که از این بابت بدست دولت ایران می آید یکجا بصرف خرید کالا های آمریکائی برسد. هم اکنون واردات آمریکا از آمریکا بیشتر از صادرات ایران با آمریکا است. اما رئیس خام طبع بانک صادرات و واردات آمریکا معتقد است که نفت فارسی از ایران بحساب صادرات ایران است و باید واردات ایران از آمریکا را بعنوان «موانع» تجارتی از این حد نیز افزایش داد.

نماینده انحصارهای امپریالیستی آمریکا فراموش نکند که اهمیت گاز را از نیرومند کرد و درباره توسعه تجارت این شروت طبیعی که جزو سرمایه بانک صادرات و واردات است توضیحاتی بدهد و «به وام هائی» گفتگو بانک صادرات و واردات آمریکا برای آنچیز طرح های گاز طبیعی داد و داشت اشاره کرد و گفت: «ما در حال حاضر سرگرم تهیه مقدمات توسعه همکاری خود با ایران (در این زمینه) میباشیم».

از گفتگوی رئیس بانک صادرات و واردات آمریکا آشکار می شود که امپریالیسم آمریکا از حفظ سلطه اقتصاد خود در ایران غافل نیست و اگر سوسیال امپریالیستهای شوروی به یغمای گاز ایران مشغول اند و با امضای طرحهای مربوط بموافقت نامه «هکسارو ۱۵ ساله» بر روی قسمت مغربی از منابع نفتی و غیر نفتی ایران دست انداخته اند. در تیرماه ۱۳۴۵ یک شرکت آمریکائی قرارداد با دولت ایران درباره بهره برداری از گاز تولید انبوه در اربوش و خارک منعقد ساخت و ظاهرا در برخی از زمینهای دیگر نیز سوز آمریکا قبضا امتیازاتی بدست آورد و اینک آنها را توسعه خواهند داد.

رئیس بانک صادرات و واردات اظهار نظر کرد که «موقعیت دیگر تجاری ایران، هسایک یا بلوک شرق است. ما این امر با ایران امکان میدهد که تجارت خود را از گسترش قابل ملاحظه ای برخوردار سازد» (کیهان ۱ آذر ۱۳۵۱).

امپریالیستهای سالیانه میکوشند که ایران بصورت واسطه بین آنها و کشورهای اروپایی و آسیایی و نیز شوروی عمل کند و کلاهسانی را که سرمایه داران آمریکائی در شعب کارخانه های خود در ایران تحت نام «صنایع ملی ایران» تولید میکنند بقیه در صفحه ۳

پیروزی با خلق های هندو چین است

راهزنان هوائی راشدند میدهند. المتخلق قهرمان ویتنام که سالهاست با امپریالیسم آمریکا دست و پنجه نرم میکند مانورهای او را خوب میشناسد و آتی از بشرفت ظفر نمون در جبهه های جنگنیکیک وظیفه گیه خلق های جهان است که بیش از همیشه هشیار باشند و تبلیغات و روشین امپریالیسم آمریکا را افشا کنند و بسز پشتیبانی قمال و همصانیه از خلق های هندو چین بیفزایند.

پیروزی خلق های هندو چین پیروزی همه خلق های شرقی است.

طرح قرارداد صلح در ویتنام که امپریالیسم آمریکا به تنبئات گوناگون برای خود داری از اضا آن منسول شد و با بدودی خود نشانه شکست امپریالیسم آمریکا و پیروزی خلق دلی ویتنام است. بپرگافدی آمریکا با تمام نیروی درندگی خود بر خلق ویتنام هجوم آورد؛ بمب هائی که بر خاک ویتنام ریخت بیش از همه بمب هائی بود که در جنگ دوم جهانی (۱۹۳۹-۱۹۴۵) بر سراسر سرزمین اروپا ریختند. خانم آشیانه مردم را با بمب های ناپالم با تاش کشید. کشت زارها و خرمن هارا بزهر آلود. بر گیاهان و درختان گرد سمی خشک گانده میاشند. بدست گمانتگان سایگونی خودش شکستگانهائی برامانداخت که در ردیف ارباب و گاهای هیتلری و بلکه جنایت با تر نو، فرسان کشتار هر چندند مراء از زنان و کودکان و سالخوردهگان و صادر کرد.

صد ها هزار نفر از زادگاه خود کوچانید و در اردوگاههای بنام «دهک های استراتژیک» در زیر سایه سرنیزه قرارداد. بتختیز سد هائی که مایه زندگی میلیون ها نفر است ویرانی آنها بکشتار صد ها نفر متجر میشد دست زد. آخرین اختراعات علم تکنیک را در جنگ بر علیه خلق ویتنام بکار انداخت. ولی همه این شیوه ها و همه این افزارهای شکست انگیز و نیرومند در برابر خلقی که باسادی از آزادی و حوق حاکمیت خویش تصمیم گرفته بود ناتوان از کار آمد. کون ترین امپریالیستها هم با خلقگاس در یافتند که جنگ تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا در ویتنام فرجائی جز شکست قطعی نخواهد داشت، تمایل نیکون به پارای طرح قرارداد صلح با ویتنام از این اضطراب ناشی شد. ولی امپریالیسم آمریکا جان سخت و خبیله کار است و با تعامل در امضای قرارداد میبدهد آن چهره که رمید آن جنگ، بدست نیابود. هاست برسوزیم صلح بدست آورد و در همان روز هائی که بظراف مشغول است و مد اگر فر وسيله های برای جنجال درباره «صلح جویی» و «حسن نیت» خویش ساخته شتابزد و بر تسلیم حکومت پشوانی سایگونی از فزاید و حملات

همدردی با خلق بوادرافغان

بد نبال کذابی سالهای اخیر سویلاب های ویرانگر اسان خلق بوادرافغان در سختی و سختی تحقظ و بیخاندانی جانمگز گردیده است. هزاران خانوار سا بیان خود را از دست دادند هزاران خانوار در جستجوی نان با طراف افغانستان در بد رنده اند. چمبسیار از آنها که فرزند آن خود سال خود را برای راهائی از گرسنگی میفرشند. عد های از خانواده هائی از زمینگز رند و بد هاست خراسان و سیستان کوفضی شبیه دهات افغانستان دارند پناه می آورند و در واقعی پناهنده میشوند.

ما با این مناسبت همدردی عمیق خود را با خلق بوادرافغان آبراز میداریم.

اینهمه مصائب که بر سر مردم ایران و افغان نیبارد نتیجه بلیات طبیعی نیست بلکه نتیجه رژیم ارتجاعی و فاسد و ستر نشاند ای است که فقط در اندیشه پاسداری از منافع طبقاتی و غارتگران امپریالیست و سوسیال امپریالیست و کترین ارزشی برای توده های زحمتکش نائل نیست. فقط مبارزه سوسخت و پیگیر خلق های ماستراند با سرنگون ساختن رژیم های گورنسی و استقرار حکومت دموکراتیک توده های راه آیند سعادت مند را بگسایند.

دست جلاد از جان مین پرستان کوتاه!

سختن نماینده جمهوری توده‌های چین:

درباره «ترویسیم»

هنگامیکه تمام تجار چینی سیمان در تحت لوای مبارز علی‌رغم ترویسیم، جنبش فلسطین را مورد اتهام قرار می‌دادند هنگامیکه محیطی زهرآگین و تحریک آمیز علیه نیروهای شرقی جهان توسط امپریالیسم و صهیونیسم پدید آورده شد، هنگامیکه بهیمنام خونی منویخ طرحی مبنی بر محکوم ساختن «ترویسیم» بطورگی در سازمان ملل مطرح شد و هدفش در واقع محکوم ساختن هرگونه عمل انقلابی بود نماینده دولت جمهوری توده‌های چین در سازمان ملل با تکلیف صریحت انقلابی؛ نقاب فتنه‌انگیزان را در پدید آورد ای خلق فلسطین را طنین انداز کرد. در لحظاتی که ساکنین یکی از عربان ریزینو بیست‌هزار تنی ترویسیم را اساساً و مطلقاً محکوم کرده نماینده خلق چین در ۲۷ امین اجلاس عمومی سازمان ملل در طی نطق ارتزدهای نقدیه سالوسانه ارتجاع را برملا نمود و خط تمایزی ما بین قهرمانان فلسطین و قهرمانان انقلابی ترسیم کرد.

نماینده خلق چین در طی نطق ذیل مخالفت خویش را با در دستور جلسه قرار گرفتن اقدامات برای جلوگیری از ترویسیم در ۲۲ سپتامبر در ۲۷ امین جلسه عمومی سازمان ملل ابراز داشت. او چنین گفت:

«ما پیوسته مخالفت خود را با اعمال مساجراجسویانه و ترویسیتی‌ای که توسط عناصر و پانته‌ان‌داری انسانیهای منفرد از توده‌ها انجام می‌گیرد ابراز داشته‌ایم. زیرا که این اعمال جنبش آزادی بخش و انقلاب توده‌های صدمه می‌زند. اما باید مواضع روشن ساخت که اگر درباره اعمال قهرصحت می‌شود باید در ابتدا تمایز میان تجاوز نظامی و ستم قهری توسط متجاوزان و ستمگران از یک سو و جنگ مقاومت قربانیان تجاوز و ستم از سوی دیگر، معلوم گردد. این دو نوع قهر ماهیتاً متفاوتند. هرکجا تجاوز و ستم هست، همانجا مقاومت و نبرد باید یافت می‌شود.

امروز امپریالیسم، استعمار و استعمار نوین، نژادپرستی و صهیونیسم اسرائیل کناکاران اصلی ترویسیم و قهران تجساعی در جهان می‌باشند.

نبرد ملت‌ها و خلق‌های مورد حمله و ستمگش کناچار با سلحه دست می‌یازند و با قهر انقلابی علیه قهر ضد انقلابی مقاومت می‌کنند. کاملاً عادلانه است، اما طرح مورد بحث هیچ تمایزی بین متجاوز و ستمگران از طرفی و نجات‌یافتگان و ستمگش از طرف دیگر قائل نمی‌شود و تنها در کمات‌گی درباره جلوگیری از ترویسیم و اعمال قهر صحبت می‌کند. این می‌تواند توسط امپریالیسم، استعمار و استعمار نوین، نژادپرستی و صهیونیسم اسرائیل مورد سوء استفاده قرار گیرد. این درست همان چیزی است که صهیونیسم اسرائیل اکنون علیه خلق عرب و سایر خلق‌های عرب انجام می‌دهد چیزی است که ما مورین استعمار پیتقال و رژیم‌ها در دست ستمگش آفریقای جنوبی و ژوندی علیه خلق‌های آفریقا انجام می‌دهند چیزی است که امپریالیسم و استعمار علیه ملت‌ها و خلق‌های مورد تجاوز و ستمگش انجام می‌دهند.

بدلیل متذکره بالا هیئت نمایندگی چین از نظریه هیئت‌های نمایندگی مارتانی، گینه، سوریه، لیبی و سایر کشورهای آفریقای شرقی که مخالفت این موضوع در دستور جلسه قرار گیرد، پشتیبانی می‌کند.

پیکار و پیکار واقعیت کفدراسیون بقیه از صفحه ۱

پیکار "پز است" از مقالات علیه کفدراسیون. هیچ نوشته‌ای از فعالیت کفدراسیون نیست که مورد حمله و کینه پیکار قرار نگیرد. آیا واقعاً کفدراسیون هیچ گونه قابل ستائنی نیست؟ آیا واقعاً کفدراسیون شی مسلط مشی انحرافی است؟ آیا کفدراسیون آن چنان نمونه منفی است که برای رسیدن بساط آن باید این همه تلاش خرج داد؟

این آقایان در یکی از شماره‌های "پیکار" (شماره ۱ سال دوم) رنج فراوان بر خود هموار کرده و به دانشجویان درس واقع بینی داده اند. "ما از واقعیت همان‌طور که هست شروع می‌کنیم." "ما هیچوقت از واقعیت جدا نمی‌شویم." چه دروغ ناپسندی! لجه فریبکاری زشتی! آیا دشمنی با کفدراسیون دانشجویان ایرانی از واقعیت سرچشمه می‌گیرد؟ آیا

کینه و عداوت شما نسبت به کفدراسیون از بررسی ولو سطحی واقعیت کفدراسیون بیرون می‌آید؟ متأسفانه شما هیچگاه از واقعیت کفدراسیون تعطیلی بدست ندادید همه کار شما مخد به اینست که برای دشمنی خوب - که علت آنرا باید در جای دیگر در نهنات جستجو کرد و نه در واقعیت کفدراسیون - اینجا و آنجا بیشتر غلط و گامی بصحیح نگاشتن را بیرون کشید و آنها را با جار و جنجال در نشریات رنگارنگ خود بیاورید. این همه "فیلسوف" پرمله‌عا گویا هنوز مفهوم واقعیت را درک نکرده اند. گوشه‌های کوچکی از واقعیت را می‌گیرند و آنها را بجای تمام واقعیت جا می‌زنند. تازه این گوشه‌ها راه چنانکه عادت آنهاست با تحریف می‌کنند و با بی‌غلت تفسیر می‌کنند.

ما بارها تذکر داده ایم که اگر واقعیت کفدراسیون را در پاره‌های اشتباهات کوچک - و چنین اشتباهاتی معمولاً برای آنها که کاملاً می‌کنند انتخاب نایز بر است - یا درباره کمبودها و معایب یا حتی در عقاید این یا آن عضو کفدراسیون خلاصه کنیم، چنانکه ناشرین "پیکار" می‌کنند، نه تنها از لحاظ تشویریک مرتکب اشتباه فاحشی شده‌ایم، بلکه از لحاظ علمی نیز کارمان به اقدامات ضد انقلابی و پشت کردن به مبارزات خلق‌های ایران و مبارزان غیر آن خواهد کشید چنانکه کار ناشرین "پیکار" کشیده است.

درک واقعیت کفدراسیون از بررسی همه جانبه حیات و فعالیت آن، آنهم در شرایط خاصی که کفدراسیون در آن قرار دارد، از تحلیل جهات ماهوی کار و فعالیت آن امکان پذیر است. چنین اسلوبی می‌تواند از واقعیت کفدراسیون ارزیابی صحیحی در دسترس داشت و آنگاه برای تشخیص واقعیت آن در این یا آن جهت دست به اقداماتی زد. اما ناشرین "پیکار" در این تحلیل علمی واقعیت کفدراسیون یا یک دو جلوه فریبی و کم اهمیت را که مبین ماهیت آن نیست می‌گیرند، تمام واقعیت کفدراسیون را در آن خلاصه می‌کنند و آنها را همرا با آنها تمام واقعیت کفدراسیون را محکوم می‌نمایند و بدور می‌انگازند. آیا نام این کار در تئوری سوبژکتیویسم و در کارزار مانی سکاریسم نیست؟ آیا آن عیبی که ناشرین "پیکار" بسا مفاخر بسیاری سریش می‌خواهند بکفدراسیون بچسبانند بخودشان نمی‌چسبند، برآزند خودشان نیست؟

اکنون بسبب واقعیت کفدراسیون که است و در ارزیابی این سازمان بطور عمده چه عواملی را باید حساب گذاشت؟ کفدراسیون سازمانی است توده‌ای که می‌تواند و باید همه دانشجویان واقعا مخالف رژیم را در درون خود گردآورد البته کفدراسیون همیشه به منافع منفی دانشجویان توجه داشته و هم اکنون نیز دارد. ولی با توجه به رژیمی که در ایران حکمفرما است نفع مهمی که کفدراسیون در کار دفاع از منافع منفی دانشجویان ایفا می‌کند نفع سیاسی است اما نه نفعی که سازمان یا حزب سیاسی آنطور که ناشرین پیکار و پیروان آن بطلطو و به منظور های دشمنانه به آن می‌بینند بلکه نفع سازمانی که خود بخشی از جنبش‌های سیاسی و خلق‌های ایران است و بنابراین شعارهای سیاسی آن نیز می‌تواند از حدود شعارهای عام مبارزات خلق‌های ایران برای نیل به استقلال و آزادی فراتر رود و فراتر هم نرفته است. نفع سیاسی کفدراسیون در چه صفتی ظاهر می‌کند:

- ۱- مبارزه پیگیر با امپریالیسم نفوذ روز افزون آن در ایران که هر روز بیشتر استقلال و آزادی ما را به بند می‌کشد.
 - ۲- مبارزه با رژیم خیانت، جنایت و فساد شاهملود امپریالیسم آمریکا و مجری سیاست امپریالیسم در کلیه زمینه‌ها بویژه امپریالیسم آمریکا.
 - ۳- دفاع از مبارزات خلق‌های ایران در تمام زمینه‌ها علیه فحاح و اجحافات شاه و طبقه حاکمه وابسته به امپریالیسم
 - ۴- افشاء عوام فریبی‌های شاه و دولت دست نشانده آن که می‌کشند که عقب ماندگی و رژیم استبداد فاشیستی را از نظر جهانیان بیوشانند.
 - ۵- شناساندن سازمان امرت ایران و جنایات روزمره آن چیزی که شاه در اختفای آن اصرار عجیب می‌ورزد.
- بدینشتیانی از مبارزات کلیه خلق‌ها که علیه امپریالیسم و ارتجاع می‌زنند و ابراز همبستگی کامل با آنها، کمک با آنهاست آن‌حد که در توانائی آنست.

نشریه "پیکار" هم برآنست که فعالیت سازمان توده‌ای "عروضه فعالیت سیاسی را هم در بر بگیرد بلین مفهوم که سازمان توده‌ای می‌تواند در حیات سیاسی کشور خود بی طرف بماند بلکه باید بهیمناسه بخشی از جنبش ضد امپریالیست و دمکراتیک کشور را در عرصه سیاسی نیز فعال باشد. . . . شعار سیاسی آن . . . باید خواسته‌های سیاسی خود را در چهارچوب شعارهای سیاسی عموم خلق مطرح کند یعنی آن چنان شعارهایی که عموم سازمان‌های ملی و دمکراتیک کشور بر سر آن توافق دارند." (شماره ۶ صفحه ۱۶). آیا شما های سیاسی کفدراسیون خارج از محدوده ای است که نشریه "پیکار" متذکر می‌شود؟ آیا در میان وظائف فوق وظیفه ای را می‌توان یافت که بشمار سیاسی عموم خلق "منافات داشته باشد؟ آیا هیچ فرد ایرانی را از کارگر و به‌دقان گرفته تا روشنفکر شرقی می‌توان یافت که پای این وظائف صحنه نگذارد؟ آیا هیچ سازمان ملی و دمکراتیک کشور را می‌توان یافت که بر سر این وظائف توافق نداشته باشد؟

شماره‌های سیاسی کفدراسیون شعارهای سیاسی عام خلق‌های ایران است بنابراین با ماهیت کفدراسیون بهیمناسه سازمان توده‌ای هیچ‌رؤی در تضاد نیست. خود آقایان که در دشمنی با کفدراسیون حد و مرزی نمی‌شناسند خلاف آنرا نگفته اند. ایراد آنها حد اکثر در اینست که چرا کفدراسیون از این یا آن زندانی توده‌ای دفاع نکرده و بجرا به فلان اجازه سخن داده نشده است. چرا فلان جمله در ارگان کفدراسیون آمده . . . از این قبیل که بفرصت صحبت ماهیت کفدراسیون می‌نماید سازمان ضد امپریالیسم و دمکراتیک بهیچوجه خدشدار نمی‌سازد. چنین است واقعیت سیاسی کفدراسیون.

اکنون این مسئله پیش می‌آید: آیا کفدراسیون در عمل علی رغم مشکلاتی که بر سر راه او قرار داشته بطور کلی در انجام وظائف خود توفیق یافته است؟ جواب این سؤال روشن است، شهرت جهانی کفدراسیون محبوبیت خاصی که کفدراسیون در میان خلق‌های جهان و سازمان‌های شرقی از آن برخوردار است موفقیت آن در افشاء رژیم شاه و شخص شاه در نزد مردم جهان و بر اثر آن کینه حیوانی شاه با کفدراسیون که بالاخره آنرا غیر قانونی اعلام کرد و اکنون در پی آنست که فعالیت آنرا با دست‌و پانته‌ای رویای غربی متوقف سازد، آیا اینها همه دلیلسل کامیابی کفدراسیون در انجام وظائف خویش نیست؟ در این جا ما نفع سازمان‌های سیاسی را در مبارزه با شاه و رژیم او از نظر فریب‌گرانه، بدون شک سازمان‌های سیاسی انقلابی در عین انجام وظائف خاص خود هر کدام بتوجه خود در انجام وظائف عام سیاسی خلق‌های ایران سهمی دارند. چیزی که قابل انکار نیست. ولی کفدراسیون بعلت وضع و موقعیت خود آنچنان صدای رسائی است که در سراسر جهان طنین می‌یافتد و در حال حاضر بعلم مختلف و منجمله شرایط کار منفی، هیچیک از سازمان‌های سیاسی را نمی‌توان سراغ کرد که بتواند چنین نقشی را ایفا کند؟ چنین است واقعیت کفدراسیون در عمل.

اهمیت کفدراسیون برای نیروهای انقلابی و شرقی آنرا از همینجا سرچشمه می‌گیرد. بر افتادن کفدراسیون و خلق‌های ایران مبارزان ایران را از چنین واقعیتی، از صدای رسائی که وضع دلخراش آنها و مبارزات قهرمانانه آنها را با این دامنه انعکاس دهد محروم می‌سازد. تضعیف و بطریق اولی بر افتادن کفدراسیون دست رژیم شاه را در اعمال زشت خود بازهم بیشتر باز خواهد گذاشت با این اطمینان که فحاحی آن‌را از انظار بنهان نماند لافلا با این دامنه در معرض افکار عمومی جهان قرار نخواهد گرفت.

با این تفصیل آیا گوشش در بی اعتبار ساختن کفدراسیون، در انحلال آن، در برکنار کردن جوانان دانشجویان ایران در گیره کردن افکار عمومی نسبت به اهداف و ماهیت آن جز بسود امپریالیسم و رژیم شاه است؟ آیا جمله "پیکار" که کفدراسیون را آماج تیرهای زهرآگین قرار می‌دهد، در تضعیف و انحلال آن میکشند کاری جز در جهت منافع رژیم ایران و امپریالیسم انجام می‌دهد؟ آیا این "پیکار" سیاه ضد انقلابی در قطب مخالف پیکار فرزان و انقلابی، دمکراتی قرار ندهد؟



دربار پهلوی و حراج منافع ملی

THE ART OF CLAY IN IRAN

selection from the collection of PRINCE SHAHRM PAHLAVI-NIA

احساسات و آثار ملی است. بخاطر پیوستن زمانی راه نمایش
کمدی تخت جمشید در تحت عنوان جشنهای درهزار ویا تصد
ساله شاهنشاهی ایران کهن برگزار شد. در آن موقع لا زم
بود برای عوام قریب دستگامهای تبلیغاتی رژیم مدام فرسان
زنده کردن تمدن پارسی و تاریخ قدیم و کهن وغیره را سردر دهند
از جشن ملی و آشناسازی فرهنگ قدیم ایران زمین بهجهانیان
سخن گویند. محمد رضا شاه را حافظ منافع ملی طلبان کنند
از جوانمردی کوش تا بیداری آریامهر در زندگانشاید با توسل
به فریب و ماهیت ضد ملی خویش را ستور دارند. روزی نبود
که نوك گنگی کشف جدیدی نکند و شهبازی و اشیا عتیقه‌ای و یا
آثار جدید ملی ای پیدا ننماید. حتی برای ابهت شدن رژیم
تخت جمشید چشمان مشتاقی شیور و صید کوش را که قرنهای آریه
گان تیزبین باستان شناسان هفت ملت پنهان گشته بود یافت
و صحنه سازی تخت جمشید را کامل تر نمود. تمام این تبلیغاتی
برای چه بود. برای اینکه شاید بر نفس های دورتی سرپوش گذا
وسیعانه به قتل و کشتار میهن پرستان اقدام نموده و چهره
خویش را به عنوان مظهر دفاع از منافع ملی و تمامیت ارضی ایران
در جهان قالب نموده و افکار عمومی را فریب داد. در آرز
حراج آثار ملی میهن ما که تزیین موزه های شخصی سرمایه
و انماهیگانهای کشورهای امپریالیستی توسط خاندان ننگین
پهلوی است بار دیگر نشان میدهد که این سلسله در شرفای
نیست که شبک چپارل و پیغامگری خویش را ننگینتر کند باشد.
فروش آثار ملی کشور عزیز ما را وسیله پر کردن جیب شاهزاد
خانها و آقایان نمودند. آنجا که مصالح طبقه حاکمه و
در آن خاندان پهلوی در میان باشد منافع ملی حکم
گوسفند قربانی را پیدا میکند. ولی رژیم که به بهانه
حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی ایران روز بروز به بودجه عظیم
دفاعی میافزاید و مبلغانش او را مظهر "وحدت ملی" جامیزند
قادر نخواهد بود. همه را برای همیشه بفریبد. حفظ منافع
ملی و حاکمیت ارضی ایران تنها از نابودی رژیم ایران میگذرد
تنها حکومت زحمتکشان است که مدافع واقعی منافع خلق ایران
خواهد بود.

مراجعه کنید خواهید دید که بروشنی بیان داشته
۱- هر کس بقصد اضرار یا جلب منفعت تمام یا قسمتی
از اینیه و تاسیسات یا تزیینات و ملحقات و یا اشیا و لوازم اماکن
تاریخی مذکور در قانون حفظ آثار عتیقه مصوب سال ۱۳۰۹ که
به ثبت آثار ملی رسیده است خرابی وارد آورد مجسب مجسد از
دوسال تا ده سال محکوم میشود.
ولی این قانون مثل سایر مواقع شامل حال دربار پهلوی
نیست. استناد به قانون همواره برای سرکوب اکثریت مردم چهر
گرفته و گزیده تجار و بانکی ارضیات براننده خاندان پهلوی
از سرتخت ایران و از قاجاق هر وقت دربار پهلوی از بسی
عنی ها و بی عمنی های این سلسله از تاراج کشور و خرابی آن
توجهات ملوکانه حتما شنید هاید ولی آریامیدانید که دستخورد
این سلسله در تجار و به احساسات و آثار ملی دیگر چه چیزی برای
خویش قایل نیستند؟ شکی نیست که تاراج منابع و ذخایر کشور
ماترکی ندارد ولی آنچه تاراجی دارد بی شری خارج از مبد ایسن
خاندان است. چندی پیش شهرام پهلوی با و تاحت هر چه
تامتور در توکیو بیخت ژاپن "گلکسین شخصی" خود را که شامل
آثار باستانی سرزمین ایران است و معلوم نیست که این حضرت
آنها را از چکس با رت بر ده بطور علنی ب معرض فروش گذاشت
از روز ۷ تا ۱۲ ماه اوت در فروشگاه عظیم "سیسو" در توکیو
تحت نظریس ژاپن آثار گرانبه تمدن کهنسال کشور ما یکی پس
از دیگری بتاراج و حراج رفت. برای این منظور دو کاتالوگ
گران قیمت که یکی حاوی ۲۲۲ قطعه نفیس آثار ایران باستان
و تازه فقط بخشی از "مایک" شهرام بود چاپ کرده بودند.
قیمت این آثار از چندین ده میلیون یسن تا چندین صد هزار یسن
نوشته شده بود. کاتالوگ دیگر شامل اشیا ایرانی و خارجی
بود که پخش گردید.
شهرام پهلوی فرزند "والا گهر" اشرف پهلوی نشان داد که در
شیادی و کلاسی دستگی از زمان قاجا چینی خویش ندارد!
در بارفاسد پهلوی با تمام زانده های مظهر قانون شکس
جنایت، خیانت، دزدی و دغلی و قساد و تبااهی و تجاروسه

«دشت ناز»

اکنون چندین سال از تصویب و اجرای قانون "اصلاحات
ارضی" شاه میگذرد. جارجیان تبلیغاتی رژیم منظور اساسی
این اصلاحات را از یک سو رفع بحران کشاورزی ایران و از لحاظ
سطح تولید و از سوی دیگر ایجاد عدالت اجتماعی قلمداد
میکردند. کسانی نیز که با استقبال شاه شتافته و "اصلاحات
ارضی" او را مثبت و یک نوع عقب نشینی رژیم "اربابی" میگردند
بدین شیوه استدلال توسل مییافتند که "اصلاحات ارضی"
اگرچه نیم بند است ولی دست کم قدری از دهقانان بی زمین
را صاحب زمین خواهد کرد. که این خود تاگزیر ثروت زمین-
داران بزرگ را خواهد ساخت. دهقانان ایرانی نیز
که صاحب زمین شده اند و از آنجا که دیگر برای جیب خود کار
میکند، با حراسته علاقه و شور بیشتری کار خواهند کرد و بدین
ترتیب تولید کشاورزی و در نتیجه آن درآمد ملی بالاتر خواهد
رفت.
در مورد اینکه آیا پس از سالها انتظار تولید کشاورزی
ایران افزایش یافته است یا نه کافی است به ارقام و آماری که از
جانب مقامات دولتی انتشار مییابد توجه شود. این آمار،
اگرچه در آنها بسود تبلیغاتی رژیم دست برده میشود، گواه بر
آن است که افزایش تولید کشاورزی ایران از افزایش جمعیت
کشور نیز کمتر است. حتی در سال ۱۳۵۰ "ارزش افزوده کشاورزی"
۵ درصد از رقم مشابه سال قبل کمتر شد. (تهران اکونومیست
۲۴ تیر ۱۳۵۱). همین آمارهای دولتی و آزان بالانسر
واقعیته مشهود زندگی فلاکت بار دهقانان و سایر مردم ایران
گواه و رشکستی این "اصلاحات" است.
در مورد "ایجاد عدالت اجتماعی" نیز دروغ دستگاهها و
تبلیغاتی شاه هر روز بیشتر فاش میشود. به برکت این "اصلاحات"
و "اصلاحات" نظیر آن اختلافات طبقاتی در ایران هر روز شدت
بیشتری مییابد. فقر گرسنگی، بی دوائی، بی غذائی در میان مردم
زحمتکش کشور ما گسترش بیشتری پیدا میکند و بحال آنکه طبقات
حاکمه ایران پیوسته غنی تر و قوی تر میگردند. در برنامه چهارم
اعتبارات کشاورزی نسبت به برنامه اول بیش از ۲۰ برابر یا لا
رفته است. اگر با وجود این ارزش تولید این بخش رشد نسبی
نداشته است، اگر با وجود این دهقانان ایرانی روز بروز به
ورشکستگی میگردند و پراپین اعتبارات و این ولخرجیها و پیریز و
بیاض های کجا میبرد؟ ما در پاسخ این سؤال چند فاکتور بارز
"دشت ناز" ارائه میدهم. این دشت ناز متعلق به شاهیه
عبدالرضا برادر شاه ایران است.
دشت ناز در ۲۰ کیلومتری شمال شرق ساری قرار دارد.
مسافت آن تا دریای خزر ۱۸ کیلومتر است. مساحت کل این
دشت ناز برنوسندگی این مقاله معلوم نیست ولی مساحت زمین
قابل کشت این دشت حدود سه هزار هکتار میباشد. علاوه بر این
در این سرزمین معادل دویست بیست هکتاره ایجاد کانال
و جاده و ۵۵ هکتاره احداث پارک وحش در صفحه ۳

حزب کمونیست لهستان در تدارک نبردهای طبقاتی آینده

کار اتحادیه جوانان کمونیست لهستان صادر کرد.
در اسناد پلنوم گفته میشود که روز بروز بر عموم کارگران
روشن تر میگردد که لهستان کنونی، دیگر میهن کارگران،
دهقانان زحمتکش و روشنفکر انقلابی نیست بلکه مهد بورژوازی
کهن و نوین است. دیگر در لهستان سوسیالیسم وجود ندارد
آنچه هنوز باقی است دولتی شدن صنایع است ولی این امر
تغییری در ماهیت رژیم نمیدهد. زیرا که اولاً در کلیه کشور
های سرمایه داری نیز برخی از رشته های صنعت متعلق به
دولت بورژوازی است و بهیچوجه باعث دگرگونی سیستم سرمایه
داری آنها نمیشود، و ثانیاً هم اکنون سرمایه داران غرب
با سرمایه گذارهایی خود در بسیاری از کارخانه های لهستان
شریکند، و ثالثاً آن درآمد ملی که از این صنایع عاید میشود
بجیب بورژوازی کهنه و نوین میرسد. در راه انقلاب و آسایش
عناصر سرمایه داری بکار میبرد و نه در راه ارتقاء سطح زندگی
طبقه کارگر.
امروزه در اثر استیلای رومینویسم در لهستان کلیسه
مفاسد سیستم سرمایه داری مانند: راهزنی و تبهکاری،
میخوارگی و فاحشگی، کانتگریسم و احتیاد بخدرات بنابر
آمده است. فرهنگ سلط در لهستان فرهنگ منطبق بورژوازی
و خورده بورژوازی است.
دوران آمارشنسی و گذشتهای مختصر در دوره سته گورک
زحمتکشان سپری شده است. وضع اقتصادی کشور این دور
دسته را مجبور خواهد کرد که دستبر جدیدی به سطح زندگی
نوده های زحمتکش بزنند. در وانیه ۱۹۷۳ مجدداً توج قیمت
ها بریان زحمتکشان آغاز خواهد شد و بقیه در صفحه ۳

"برجم سخ" ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست لهستان
- حزبی که در ۴ دسامبر ۱۹۶۵ یعنی در دوران خیانت
رومینویستیها (بسرکردگی گومولکا) به طبقه کارگر و حزب
فی و به خلق لهستان، در شرایط کاملاً مخفی بوجود آمد.
خبر میدهد که پلنوم کمیته مرکزی آن حزب در سومین سمناهو
سال جاری در ورشو یا بیخت لهستان تشکیل جلسه داده است
این جلسه که علی رغم پیگرد های کین تروانه پلیس تشکیل شد
بخودی خود نماینده رشد و نیروگرگتن حزب واقعی و مارکسیست
لنینیست طبقه کارگر لهستان، حزب کمونیست لهستان و شاخه
بخش عمده احزاب و سازمانهای مارکسیستی-لنینیستی جهان
است.
پلنوم حزب کمونیست لهستان اوضاع بین المللی و شرایط
کشور را مورد تحلیل قرار داد، بمنظور گسترش سازمانی و تقو
مبارزه حزب کمونیست لهستان بر علیه "ارودسته" رومینویستی
گیرک و یاروشویچ و غافقه، تازه ای در برابر حزب نهم، پلنوم تأکید
کرد که مبارزه مذکور بخشی از مبارزه احزاب مارکسیستی-
لنینیستی و نیروهای انقلابی بر علیه رومینویسم معاصر بسر
کردگی سوسیال امپریالیسم شوروی و امپریالیسم امریکا و سرمایه
داری در مقیاس بین المللی است.
پلنوم عملیات تئورستی جدید پلیس مخفی دارد سته
گیرک را بر علیه انضام و تعالان حزب کمونیست لهستان مورد
بررسی قرار داد و تصمیماتی بمنظور تأمین حزب در برابر خراب
بکاری و فتنه انگیزی پلیس اشغال کرد.
پلنوم در پایان کار خود پیاپی به طبقه کارگر و خلق
زحمتکش لهستان فرستاد و همگنن تک منامه ای در باره بهبود

زبان ارقام

ارقام زیرین نموداری از رشد شکفت انگیز اقتصاد جمهوری
تودهای چین است:
چین در سال ۱۹۷۱
۱- ۲۶۶ میلیون تن غله تولید کرد که دو برابر سالها
بلافاصله پس از آزادی بود. امروزه چین نه فقط نیازمنستی
جاری خود را از حیث غلات تأمین میکند بلکه ذخیره نیز دارد.
۲- ۲۱ میلیون تن فولاد تولید کرد که ۱۳۱ برابر
سالهای بلافاصله پس از آزادی و چهار برابر سال ۱۹۵۷.
۳- میزان تولید نفت چین نسبت به سال ۱۹۴۹،
۳۰۰ برابر شد.
۴- اندازه راه آهن چین بحساب کیلومتر به ۴ برابر
دوران پیش از آزادی بالغ گردید.
۵- خرده فروشی یعنی فروش اجناس به توده مردم
نسبت سال ۱۹۴۹، ۶۴ برابر شد.